

# حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری

مطالعه موردی: منطقه‌ارزنان اصفهان در سال ۱۳۸۰

رسول ربانی\*\* - جواد افشارکهن\*\*\*

## طبقات شهری، مشارکت و مسائل شهری

طبقات شهری در شهر موقعیتی یکسان ندارند، متناسب با میزان رفاه اقتصادی، برخورداری از عامل قدرت سیاسی، منزلت اجتماعی و آگاهی، موقعیتهای متفاوتی را از آن خود می‌سازند. مطابق مفروضات مکتب شیکاگو، مناطق مختلف شهری دارای کارکردهای متفاوتی هستند و البته ساکنان هر یک از این مناطق بیشتر از طبقات خاصی برخاسته‌اند. بدین ترتیب ما شاهد جدایی‌گزینی فضایی و اجتماعی در شهرها هستیم. هر منطقه شهری در دیدگاه مکتب شیکاگو ایفاگر کارکردی خاص است و البته مناطقی هست که مسائل شهری را به وجود می‌آورند. شهر بدین‌گونه، از نظر طبقات اجتماعی نظم فضایی خاصی می‌یابد.<sup>۱</sup>

از منظر بحث طبقاتی، ما می‌توانیم عامل مشارکت افراد را بر اساس فرهنگ طبقاتی آنها مورد توجه قرار دهیم. اگرچه بحثهای مربوط به فرهنگ طبقاتی می‌تواند در بردارنده خطر تعمیم‌های نابجا باشد و خصوصیات یک طبقه را در کشورهای خاص به دیگر کشورها بسط دهد، اما می‌توان به حداقلی از ویژگیهای فرهنگی مشترک (مخصوصاً در ارتباط با عامل مشارکت) در میان طبقات گوناگون در کشورهای مختلف دست یافت.

بر این اساس متفکران مختلف، طبقات پایین را عمدتاً دارای ویژگیهایی همچون تمایل به شورش، تقدیرگرایی، آزادی عمل (والتر ب. میلر)، حاشیه‌نشینی (اسمیت)، عدم توجه به آنچه کامروایی معوق نامیده می‌شود (اسکار لوئیس)، داشتن بیشترین تعامل با خویشاوندان و همسایگان، مشارکت اندک در سازمانهای داوطلبانه، بدگمانی و لجاجت (کوهن و هاج) دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

در عین حال می‌توان فرهنگ طبقات متوسط را دارای ویژگیهایی همچون ابتکار عمل فردی، تمایل به کار گروهی، برنامه‌ریزی، پیش‌پراگماتیستی (کهل)، اهمیت قایل شدن برای خانواده هسته‌ای و تربیت فرزندان، تحصیلات و شغل مناسب (گانس)، آینده‌نگری، حس‌بگری و اعتقاد به تکنیک (سیلی) دانست. سرانجام ویژگیهای فرهنگ طبقه بالا را باید در

\* - دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

\*\* - دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

۱- در مورد نظم طبقات اجتماعی بنگرید به: لئوردرایجی (Leo Driedger)، ۱۹۹۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲- هیمان رادمن، ۱۹۶۶، صص ۳۲۶-۳۳۴.

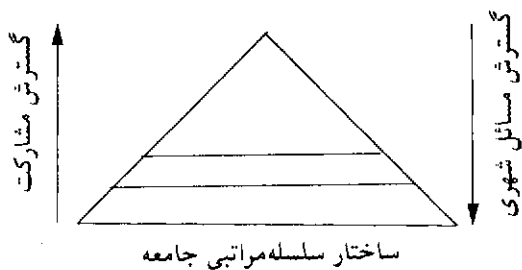
آگاهی طبقاتی، ازدواج درون‌گروهی، داشتن مهارت‌های زیستی برای زیبا و جذاب نشان دادن رفتارها، تأکید بر سنت، اصالت و اصل و نسب (کهل)، الگوهای گفتاری متفاوت، تمایل به گذشته (بالتزل) مشخص ساخت.<sup>۱</sup>

### حل مسائل شهری در گرو حل

#### یا تخفیف شدت مسأله

حاشیه‌نشینی - متن‌نشینی استند.  
 بدین ترتیب باید توجه داشت  
 که پرداختن به حوزه مسائل اجتماعی  
 شهری اساساً باید از رهگذر توجه  
 به مسأله حاشیه‌نشینی - متن صورت گیرد.

طبقات در حاشیه یا به حاشیه رانده شده (به علت فقدان مجال برای مشارکت نظام‌مند و قانونمند) به‌طور عمده به‌عنوان منحرفان و هنجارشکنان معرفی شده و در معرض مجازات قرار می‌گیرند.



نمودار ۳- طبقات، مشارکت، مسائل شهری (منبع: مؤلفان)

با این تفصیل می‌توان گفت مسائل طبقات اجتماعی در شهرها بر اساس عامل مشارکت قابل تبیین است. در واقع به‌نظر می‌رسد طبقات پایین‌دانه‌ترین مشکلات شهری هستند. آنان به علت عدم مشارکت اجتماعی (یا به حاشیه رانده شدن) مجال آن را نمی‌یابند تا از راه‌های قانونی به تعریف و برجسته‌سازی مسائل خود بپردازند. لذا میان حضور آنها در صحنه‌های مختلف فعالیت اقتصادی، سیاسی و گستره مسائل آنها رابطه معکوس وجود دارد. با حرکت از قاعده نظام سلسله‌مراتب اجتماعی به سوی رأس آن، ما با افزایش مشارکت اجتماعی از یک‌سو و کاهش دامنه مسائل مبتلا به شهری روبه‌رو هستیم. طبقات بالای شهری به علت تسلط بر موقعیت‌های کلیدی در شهر و قابلیت تأثیرگذاری بر شاخص‌های بنیادی زندگی شهری، بالتبع در ساختار زندگی شهری بیشترین فعالیت را دارند و لذا در متن زندگی شهر حضور دارند. اگر رابطه معکوس میان میزان مشارکت و میزان مسائل شهری دامنگیر طبقات را بپذیریم و اگر فرم هرمی شکل را در مورد ساختار و قشریندی اکثر جوامع (به‌خصوص جوامع جهان سومی) صادق بدانیم، نمودار شماره ۳ را در رابطه با طبقات، مشارکت و مسائل شهری داریم:

اگر دیدگاهی را که در اول مقاله راجع به مقصر دانستن نظام اجتماعی در پیدایش مسائل اجتماعی برگزیدیم مد نظر داشته باشیم و به پیدایش «دیگری» در روند هویت‌یابی طبقات توجه نماییم، در می‌یابیم که قدرت برجسب‌زنی طبقات در متن (که مشارکت‌کنندگان و در واقع اداره‌کنندگان نظام مستقرند) باعث می‌شود

از سوی دیگر مشخص کردن منطقه‌ای در شهر به‌عنوان منطقه آسیب‌زا و مسأله‌پرور خود درکی نادرست از روابط بنیادی اجتماعی - شهری است و تنها در قالب گفتمان حاکم (که از سوی طبقات حاکم ایجاد و پشتیبانی می‌شود) قابل توجیه است. بدین سبب آنچه‌چنان که بورگس می‌پنداشت، نمی‌توان با این پیش‌فرض که هر منطقه‌ای از شهر کارکردی را برعهده دارد که آن را ایفا می‌کند (تقسیم کارکردی - منطقه‌ای شهر)، مدعی شد که تخصصی مناطقی از شهر در تولید مسأله و آسیب است؛ زیرا اولاً با توجه به تراکم موجود در این مناطق نسبت به مناطق مرفه‌نشین، نسبت جمعیت و مسائل در واحد سطح بیشتر است و پراکنش خاص جمعیت در مناطق مرفه‌نشین، که باعث چشمگیر نبودن مسائل آن مناطق می‌شود نباید منجر به این امر شود که مناطق فقیرنشین ذاتاً آسیب‌زا تلقی شوند. ثانیاً حضور و مشارکت طبقات مسلط در امور شهری (امری که از طبقات در حاشیه دریغ شده است) باعث طرح و حل سریع مشکلات آنان می‌گردد. ثالثاً باید توجه داشت که مسائل اجتماعی اگر چه به‌طور عمده در مناطق به‌حاشیه رانده شده، بروز می‌یابند، اما این بدان معنا نیست که منشأ چنین وضعیتی نیز در این مناطق وجود دارد. در این مورد باید به سیاست‌های حاشیه‌آفرین و متن‌آفرین توجه کرد و بر نقش نظام اجتماعی متمرکز شد. از همین روست که بیان می‌گردد حل مسائل شهری در گرو حل یا تخفیف شدت مسأله حاشیه‌نشینی - متن‌نشینی است. بدین ترتیب باید

۱- هیمان رادمن، صص ۳۳۷-۳۳۶.



تطبيق برخی مطالب این مقاله بر واقعیات اجتماعی، مطالعه‌ای میدانی در یک منطقه حاشیه‌ای در شهر اصفهان انجام گرفت. مکان مورد مطالعه منطقه‌ای به نام «ارزنان» در منطقه زینبیه بود که جزء منطقه ۷ شهری به حساب می‌آید. جهت برآورد میزان حاشیه‌نشینی و درک وضعیت حاشیه‌نشینان ابتدا متغیرهای مؤثر در این فرایند را در هفت رده به شرح زیر فهرست نمودیم:

- ۱- عدم جذب در نظام اجتماعی
  - ۲- عدم جذب در نظام اقتصادی
  - ۳- عدم جذب در نظام سیاسی
  - ۴- تراکم جمعیتی
  - ۵- بیکاری
  - ۶- جرم، خشونت و...
  - ۷- امکانات محدود برای زندگی مطلوب
- در ادامه و جهت به‌دست آوردن چگونگی وضعیت این متغیرها، پرسشنامه‌ای تدوین گردید و با انجام نمونه‌گیری از این منطقه (بر اساس واحد خانوار) پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. علاوه بر آن و در راستای مشخص شدن وضعیت متغیرهایی مانند میزان گسترش نابهنجاری‌ها و جرم و خشونت در این محله مصاحبه‌هایی به صورت باز با برخی دست‌اندرکاران امور مربوط انجام گرفت.

توجه داشت که پرداختن به حوزه مسائل اجتماعی شهری اساساً باید از رهگذر توجه به مسأله حاشیه - متن صورت گیرد و این دارای اولویتی مهم و انکارناپذیر نسبت به بررسی آسیبهای شهری (جنایت سازمان یافته، خشونت جمعی، بزهکاری جوانان و...) است. در مجموع می‌توان رابطه میان عامل مشارکت، مسائل اجتماعی، حاشیه‌نشینی و متن‌نشینی را در قالب موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- مشارکت، حاصل در متن بودن است.
- ۲- مشارکت گروههای در متن، در حیات شهری باعث تعریف و برجسته شدن مسائل اجتماعی شهری مربوط به آنان می‌شود و راه را برای حل آنها باز می‌کند.
- ۳- گروههای به حاشیه رانده شده در شهر به لحاظ اجتماعی اقتصادی مجال طرح مشکلات خود را نمی‌یابند، لذا مسائل آنها نیز به همراه آنان به حاشیه رانده می‌شود.
- ۴- حل مسائل اجتماعی بدون مشارکت افراد درگیر با آن ممکن نیست. لذا حل مسائل اجتماعی مستلزم تخفیف وضعیت به حاشیه رانده‌شدگی است.

#### مطالعه موردی

به منظور مطالعه فضای زیست حاشیه‌نشینی و سنجش عوامل تأثیرگذار بر زندگی حاشیه‌نشینان و در جهت

## یافته‌های تحقیق

داده‌های جمع‌آوری شده که مربوط به قسمت الف پرسشنامه بودند و عمدتاً به کار سنجش مشارکت اجتماعی می‌آیند، حاکی از مشارکت اجتماعی بسیار اندک ساکنان محله مورد مطالعه می‌باشند. داده‌ها نشان می‌دهند ۹۸٪ پاسخگویان در هیچ فعالیت دسته جمعی و گروهی شرکت ندارند و ۲٪ باقی‌مانده نیز در فعالیتهای محدود گروهی که به لحاظ زمانی منقطع هستند و از هیچ برنامه‌ریزی یا تداومی برخوردار نمی‌باشند، حضور دارند (فعالیت‌هایی همچون شرکت در مراسم عزاداری، روضه‌خوانی و...).

در پاسخ به سؤال دوم در مورد همکاری بدون عضویت در نهادهای داوطلبانه، ۹۷٪ جواب منفی را برگزیده‌اند و ۳٪ باقی‌مانده نیز به‌طور عمده عضویت در بسیج را ذکر نموده‌اند. در پاسخ به پرسش سوم در مورد انجام کمک مالی به مؤسسات اجتماعی، ۱۳٪ جواب بلی و ۸۷٪ جواب خیر داده‌اند. لازم به توضیح است که عدم میل به مشارکت اجتماعی که از خلال این داده‌ها عیان می‌شود کاملاً به عدم تمایل درونی ساکنان بر نمی‌گردد، بلکه محدود بودن فضاهای مشارکت نیز در این میان مؤثرند.

قسمت دوم پرسشنامه ضمن سنجش وضعیت شغلی و سکونت، سعی دارد الگوهای کاری و تراکم جمعیتی خانوارها را بسنجد. داده‌ها نشان می‌دهند ساکنان این منطقه به‌طور عمده اجاره‌نشین بوده و تراکم بالای خانوادگی و داشتن مشاغل غیررسمی و نامستمر نیز از ویژگیهای بارز آنها به‌شمار می‌آید.

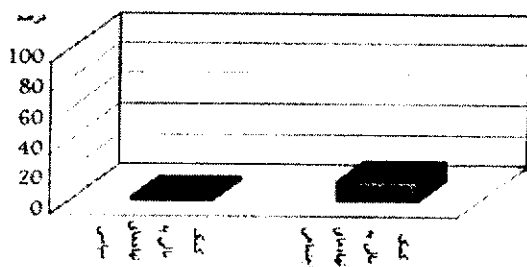
در پاسخ به سؤال اول در مورد شیوه سکونت، ۶۱٪ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که به‌صورت اجاره‌ای در این محل سکونت دارند و متوسط اجاره پرداختی که به‌صورت اجاره کامل و رهن - اجاره پرداخت می‌شده است، در حدود ماهیانه ۳۶۲۰۰ تومان بوده است. به لحاظ شغلی، ۱۳٪ بیکار مطلق بوده‌اند که ۵٪ از حقوق بازنشستگی، ۴٪ از راه فروش لوازم خانه، وام، کمیته امداد و... ۲٪ با کمک دیگران (۲٪ باقی‌مانده بدون جواب) روزگار می‌گذرانده‌اند.

۱۵٪ ساکنان دارای شغل دایم و بقیه (۷۲٪) عمدتاً کارگران روزمزد بوده‌اند که به‌طور متوسط ۱۲/۵ سال به این کار اشتغال داشته‌اند.

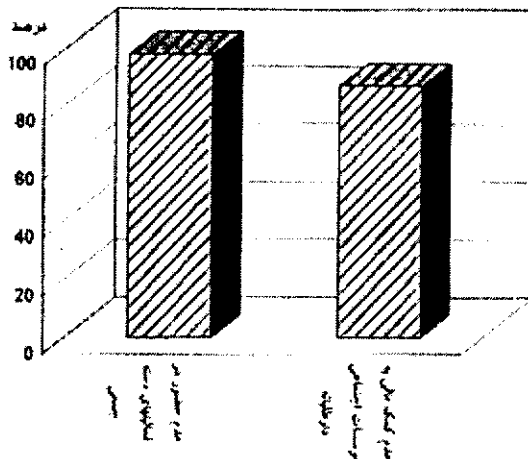
متوسط درآمد ماهیانه افراد در حدود ۶۳۵۰۰ تومان بوده است و ۸۳٪ پاسخگویان اظهار داشته‌اند که بیکاری را تجربه کرده‌اند. به لحاظ بعد خانوار، رقم ۷/۷۴ به‌عنوان متوسط حجم خانوارهای این منطقه به‌دست آمده است.

با نگاهی به داده‌های جمع‌آوری شده از این قسمت پرسشنامه مشخص می‌گردد که الگوی سکونت، به‌طور عمده غیردایم و موقتی است و این خود تقویت‌کننده حس عدم تعلق ساکنان به محله و نیز عامل تشدیدکننده عدم تمایل به مشارکت است. الگوی شغلی ساکنان، متوسط درآمد آنها و بالابودن بعد خانوار محله‌های مورد مطالعه همگی وضعیت نامطلوب اقتصادی ساکنان را منعکس می‌کنند و بر حاشیه‌نشینی اقتصادی ساکنان گواهی می‌دهند. داده‌های مربوط به قسمت «ج» پرسشنامه که عمدتاً به‌منظور سنجش میزان تعاملات سیاسی و مشارکت سیاسی افراد تهیه شده است، نشان می‌دهند که اکثر پاسخگویان تمایل کمی به مشارکت و بحث در امور سیاسی دارند.

در پاسخ به پرسش اول از قسمت «ج» در مورد شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰، ۳۸٪ جواب منفی و ۶۲٪ جواب مثبت داده‌اند. (لازم به یادآوری است برخی ساکنان به علت نداشتن تابعیت ایرانی از امکان مشارکت سیاسی و... محروم‌اند). در پاسخ به پرسش دوم در مورد منبع کسب خبر



نمودار ۵- مقایسه سطح مشارکت مالی در مؤسسات اجتماعی و سیاسی



نمودار ۴- میزان انزوا از فعالیتهای اجتماعی

### یافته‌های تحقیق میدانی

ویژگیهای منطقه‌ارزانان در این تحقیق نشان‌دهنده انباشت مسائل اجتماعی (به معنای اعم آن) در یک حوزه زیستی است. بیشتر ساکنان این منطقه محل اقامتی موقت و غیردائم دارند و با توجه به تنوع زبانی، دینی، ملی و... امکان ایجاد همبستگی و وفاق اجتماعی بالا در میان آنها نیست. مشاغل ساکنان در این وضعیت به‌طور عمده در حوزه مشاغل غیررسمی و اکثراً از نوع کار سیاه طبقه‌بندی می‌گردد؛ چنانکه حدس زده می‌شود درصد قابل توجهی از ساکنان منطقه مورد مطالعه در این تحقیق به امر قاچاق اشتغال داشته‌اند. حجم اندک فضای سکونتی، تراکم بالای خانوار به همراه ساخت و سازهای غیرقانونی از ویژگیهای سکونتگاههای حاشیه‌ای است که در منطقه مورد مطالعه نیز به عیان دیده می‌شود. علاوه بر اینها، کیفیت نازل و غیراستاندارد مصالح به‌کارگرفته شده در ساخت و سازها نیز به چشم می‌خورد. این همه، امکان به رسمیت‌شناسی این مناطق را به‌عنوان جزئی از سیستم شهری با مشکل مواجه می‌سازد و لذا سازمانها و مراکز دولتی حتی آماری دقیق از وضعیت سکونتی منطقه ندارند. جغرافیای منطقه دائماً در حال تغییر است و کوجه‌ها از هیچ نقشه و پلان طراحی شده‌ای برخوردار نیستند. همچنین پیشروی مناطق مسکونی به سمت زمینهای کشاورزی کاملاً مشهود است و روزانه سطح بیشتری از زمینهای کشاورزی تبدیل به سکونتگاهی برای حاشیه‌نشینان می‌شود.

میزان انحرافات اجتماعی و وقوع جرم و خشونت نیز در منطقه چشمگیر است. یکی از مسؤولان مرکزی نظامی - فرهنگی اظهار می‌کرد که هر شب حداقل سه مورد قاچاق مواد مخدر در این منطقه کشف می‌شود. وضعیت فحشا، دزدی،... که همگی

و تحلیل، ۵۳٪ پاسخگویان رادیو و تلویزیون را به‌عنوان مرجع کسب اطلاع خود ذکر کرده‌اند. ۹٪ از روزنامه‌ها، ۳٪ از گفت‌وگو با دیگران، ۱۹٪ از طریق رادیو و گفت‌وگو با دیگران، ۶٪ از طریق رادیو و روزنامه و ۲٪ از طریق رادیوهای خارجی به کسب خبر و تحلیل درباره امور سیاسی جامعه پرداخته‌اند.

در پاسخ به پرسش سوم، در مورد میزان گفت‌وگو با دیگران در مورد مسائل سیاسی، ۵۳٪ میزان گفت‌وگوی خود با دیگران درباره امور سیاسی را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۶٪ آنها این میزان را در سطح خیلی زیاد، ۹٪ زیاد و ۹٪ کم ارزیابی کرده‌اند و ۲۳٪ بیان کرده‌اند که خیلی کم به این کار مبادرت می‌کنند.

در پاسخ به پرسش چهارم در مورد ملاقات از نزدیک با شخصیت‌های سیاسی، ۸۹٪ جواب منفی و ۱۱٪ جواب مثبت داده‌اند. در پاسخ به پرسشهای پنجم و هشتم جوابها یکسان بوده‌اند: ۹۸٪ نه عضویت در سازمان‌های سیاسی داشته‌اند و نه در فعالیتهای تبلیغاتی به نفع نامزدهای انتخاباتی مشارکت کرده‌اند و نه تاکنون کمک مالی به مراکز سیاسی نموده‌اند.

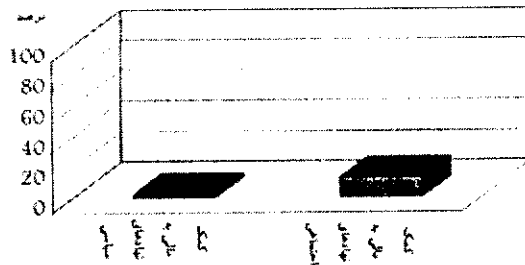
در پاسخ به پرسش ششم در مورد تأمل و اندیشه درباره انتخابات آینده، ۷۳٪ جواب منفی و ۲۷٪ باقی‌مانده نیز جواب مثبت داده‌اند.

یافته‌های این قسمت نیز نشان از عدم امکان و فرصت مشارکت سیاسی برای حاشیه‌نشینان دارد. این حاشیه‌نشینانی که در ارتباط با حاشیه‌نشینانی اجتماعی و اقتصادی و جغرافیایی قابل ارزیابی است و باید تأثیرات متقابل آنها را نیز مد نظر داشت.

نمونه، با گسترش صنعتی شدن و تغییرات بنیادین در شیوه تولید، جغرافیای اقتصادی (در مقیاس ملی و فراملی) دچار تحول شد و جابه‌جایی طبقات اقتصادی، گروه‌هایی را به حاشیه و گروه‌هایی را به متن آورد. با تداوم تغییرات در حوزه‌های دیگر، چنانچه به حاشیه راندن‌ها از یک سو و در متن قرار گرفتن‌ها از سوی دیگر دامنگیر گروه‌های مختلف شود، ما شاهد پیدایش مسائل اجتماعی خواهیم بود، مسائلی که بر اساس ویژگی‌هایش می‌تواند خطراتی متفاوت را متوجه نظام شهری بنماید. اگر به حاشیه رانده‌شدگی کامل شود و نقشه‌های به‌حاشیه روندگی سیاسی - اقتصادی - فرهنگی بر هم منطبق شوند، ما با بحران شهری، روبه‌رو هستیم و به نظر می‌رسد بررسی آن از حیطة جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی خارج و در «حوزه جامعه‌شناسی بحران» قرار گیرد. لذا باید در گام اول از مضاعف شدن شکاف‌های حاصل از فاصله میان متن‌نشینان و حاشیه‌نشینان و تداوم آنها جلوگیری کرد.

در این میان، برنامه‌ریزی شهری که هدف خود را تخفیف مسائل شهری قرار داده است باید با توجه به متغیرهای گسترده‌ای تدوین شود و البته در این میان عنصر لازم و ضروری برای رفع مسائل اجتماعی شهری باید تلاش در جهت کاهش فاصله حاشیه - متن و یا فراهم آوردن امکاناتی برای مشارکت حاشیه در زندگی شهری باشد؛ چه، حاشیه‌نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست اگر چه خانه او در شهر است و لذا پیوسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می‌برد و متحمل فشار عصبی - ذهنی می‌گردد و این وضعیت منحل مشارکت اوست. از همین رو در مفهوم «برنامه‌ریزی اجتماعی شهر» بر نفعی این باور که مسائل اجتماعی شهری را می‌توان با خط قرمز کشیدن به دور منطقه بد و بمباران آن از طریق درمان‌های فیزیکی برنامه‌ریزی شده حل کرد، تأکید می‌شود. لزوم تلفیق طراحی شهری، برنامه‌ریزی فضایی - منطقه‌ای و سیاست اجتماعی در اصطلاح شهر اجتماعی که بر ساخته ابتز هوارد است بازتاب می‌یابد.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب هرگونه برنامه‌ریزی شهری (که معطوف به حل مسائل شهری و توسعه شهری است) باید بیش از پیش در راستای برنامه‌های توسعه ملی طراحی و اجرا شود، چه همان‌طور که گفته شد حل مسائل شهری در راستای حل مسائل ناشی از زیست حاشیه - متن در



نمودار ۶- سنجش گره‌های وضعیت کلی اقتصاد و خانواده

منحل امنیّت اجتماعی‌اند نیز نامطلوب گزارش گردیده است.

کل مراکز رسمی - دولتی در این منطقه محدود به یک مرکز آموزشی (مدرسه ابتدایی پسرانه سه شیفته) و یک مرکز بهداشتی (خانه بهداشت) است.

بدین ترتیب می‌توان گفت منطقه حاشیه‌نشین به‌عنوان یک سیستم نیز قابل بررسی است. در چنین منطقه‌ای عدم مشارکت در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی دارای رابطه متقابل با انباشت مسائل اجتماعی است و این همه با کمبود امکانات زندگی مطلوب شهری در رابطه است.

چنین وضعیتی خود به عامل دفعه‌ای تبدیل می‌شود که ساکنان قدیمی این مناطق را از منطقه می‌رانند. لذا هجوم مهاجران گوناگون در کنار وضعیت نامناسب زیستی به نوعی جابه‌جایی کامل در ساکنان منطقه می‌انجامد و رفته‌رفته کل منطقه را مهاجران اشغال و افراد بومی را طرد می‌کنند.

### نتیجه

شهر به مثابه کالبدی که امروزه زندگی بیشتر ساکنان کره زمین را در بر گرفته است خود واقعیتهای بر ساخته انسان و البته همچون هر پدیده اجتماعی دیگری که حاصل کنش‌های انسانی است، مؤثر بر زندگی و حیات جمعی و فردی اوست. تغییر جهان روستایی به جهان شهری که در قرون اخیر و با روندی تدریجی آغاز گشت مسائل و مشکلاتی برای انسان شهرنشین و نیز اقلیت روستائین فراهم آورده است.

از آنجا که زندگی بشر جدید باید به لحاظ ابعاد اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و... بررسی شود، مسائل اجتماعی شهری نیز در زمره واقعیتهای قرار می‌گیرند که در شبکه پیچیده‌ای از عوامل و شاخص‌ها قرار دارند. برای

۱- کلاراگرید، ۱۹۹۹، صص ۵ و ۱۲۷.

## منابع

- افروغ، عماد. *فضا و نابرابریهای اجتماعی*. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. چاپ اول. ۱۳۷۷.
- پاپلی یزدی. محمدحسین. «نامه‌ای به رئیس جمهور»، فصلنامه *تحقیقات جغرافیایی*. سال شانزدهم، شماره ۶، بهار ۱۳۸۰.
- توسلی، غلامعباس. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- توسلی، غلامعباس. *جامعه‌شناسی شهری*. انتشارات پیام نور، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- حجاریان، سعید. «فوکو و شهر ری»، *همشهری ماه*، سال اول، شماره ۷، مهرماه ۸۰.
- حسامیان، فرخ و دیگران. *شهرنشینی در ایران*. انتشارات آگه، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- شکری، حسین. *جغرافیای اجتماعی شهرها*. مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- وبر، ماکس. *شهر در گذر زمان* (با پیشگفتار مارتیندال). ترجمه شیواکاوایانی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- مافی، عزت‌الله. «تحلیل فضایی جرم و جنایت در مشهد»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- مرتن، رابرت. ک. *مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی*. ترجمه نوین تولایی. انتشارات امیرکبیر. چاپ اول، ۱۳۷۶.
- Clara h. greed, "Social town planning", 1999, Routledge, first published.
- Devid Drakakis-smith, "Third world cities", 2000, Routledge, secon Edition.
- D. Stanly Eitzen & mexin Beca zina "social problems", 1992, fifth edition.
- Gist and Fava, "urban society", 1971, fifth Edition.
- Harvey M.chodin, "cities and suburbs: an introduction to urban sociology", 1985, Mcgraw hill.
- Hayman rodman, "Class culture" in international Encycloepadia of social sciences, 1966.
- James M. henlin & Donatal W. light, jr, "Social problems", 1983, macgraw hill.
- Leo Driedger. "the urban factor", 1991, oxford university press.
- Louis-Ferdinand Céline, "voyage au bout de la nuit", Gallimard, Paris, 1989.
- Desert B.Metton A. "la periurbanization", sedes, Paris, 1995.
- Cahedoce B. "les premiers banlieusards", Ed. Creaphis, 1996.
- Coutras, J. "Des villes traditionnels aux nouvelle banlieues", sede, Paris, 1997.

حاشیه‌نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست اگر چه خانه او در شهر است و لذا بی‌وسسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می‌برد و متحمل فشار عصبی - ذهنی می‌گردد و این وضعیت محلل مشاور گت اوست.

حوزه‌های مختلف است. این امر بر همه‌جانبه بودن و فراگیر بودن فرایند توسعه شهری تأکید دارد. بدین سبب برنامه‌ریزان شهری باید در ارتباطی پویا و تأثیرگذار با برنامه‌ریزان توسعه باشند. در اینجا همچنین می‌توان به پارادوکسی اشاره کرد که در ماهیت این برنامه‌ریزی (برنامه‌ریزی برای توسعه و برای شهر) وجود دارد و می‌توان آن را در قالب این پرسش بازسازی کرد که آیا متن‌نشینان که تصدی موقعیت‌های کلیدی را در اکثر حوزه‌های حیات جمعی در دست دارند، در فرایند برنامه‌ریزی برای توسعه (به‌طور عام و توسعه شهری به‌طور خاص)، حاضرند به نفع حاشیه‌نشینان و در جهت باز توزیع منابع کمیاب اجتماعی، برنامه‌ریزی و عمل کنند؟ و اگر آنان بر مبنای منافع متن‌نشینان عمل می‌کنند، آیا می‌توان به این برنامه‌ها در جهت حل مسائل عمومی و شهری امیدوار بود؟ آیا این پارادوکس (قدرتمندی و اصلاح‌طلبی یا متن‌نشینی و برای حل مسائل حاشیه تلاش کردن) برنامه‌ریزی برای توسعه ملی و توسعه شهری را با بن‌بست مواجه نمی‌سازد؟ همچنین می‌توان درباره کارایی و شریخی اقدامات مبتنی بر پذیرش رویکرد مهندسی کلان اجتماعی که تغییر، برنامه‌ریزی و کنترل ویژگیهای رفتاری انسان را باور دارد و حل مسائل اجتماعی را جز از طریق برنامه‌های کلی و به‌زعم خود جامع، ممکن نمی‌داند به بحث پرداخت که پرداختن به آن، البته خود شایسته مجال دیگری است.

\* شک نیست که گسترش ارتباطات و تسهیل روابط انسانی از خلال وسایل فن‌آوری پیشرفته، تأثیری مهم بر این وضعیت داشته است. در واقع از رهگذر کاربرد چنین امکاناتی است که به حاشیه‌رانده شدگی جهانی تحقق یافته و امکان در نوردیدن مرزهای زمانی - مکانی فراهم گشته است. بنابراین اگر از دیدگاه جهانی به مسائل شهری بنگریم شایسته است بر تأثیر فرایندهایی چون جهانی‌شدن بر زندگی شهری و مسائل شهری متمرکز شویم.